

هر که دعا گوید مستجاب شود و تو بکار باش و مرا بعد از از این
با او کن و ما نیز تریا دکنیم باشد که درین میان اغراض است نمود
هم در حق تو و هم در حق ما **فصل** که در ایام بهار که جهان نمود
و در اقرار و رباع خود کار میکردند و فرقه خود را که کس تقوی بود
در گوشه که نشین بودند و خود حضرت علیه السلام از آن تقریب تبرک
لبس خواجده را بارتند و بر سر و روی فرود آوردند و خود حضرت
در کس فرمودند که بدین دست که است حیا گرفته باشی کس است
گرفتند **فصل** که حضرت خود حضرت علیه السلام خود عبدالمالک
قدس که گفتند که ما هم صحبت داریم خود در کس گفتند تا آنچه خود
خزوه اید و زنده و کانی می طلبید و ما قدم در عالم فانی داریم فنا
می طلبیم چگونه تو ای ما هم صحبت داریم **فصل** که حضرت شریف
موجود صاحب بقع حیدر شیخ نجم الدین کبری قدس که در زمان حضور
حکیم خان بامداد بعد از آنکه وظایف خدمت با دارنند
مشغول شد آنکه هر روز در روز و روی با صاحب کردند و
گفتند برای بدین دیار متوجه خواهد شد و بر آن ای دیار خواهد

خواجده رسید مساجد و ای که دفع این تواند کرد و بر در مات
ان صد سلطنت سلطان خواجده عبدالمالک محمد وانی در کس
دومید را بجزنت اینان فرستادند و گفتند که برادر ما را در
کنید تا بتکم بلا دعا و تفریح و اتمنال بالفرد و الاصال از حق
ذو الخلال در خواجده تا بمرکت دعا ایشان مومنان می یابند
قاصدان متوجه بخارنند و در راه کاروانی پیش آمد از خالص
خواجده رحمة الله علیه پرسیدند کاروانیان گفتند ما ز جبار خوا
که زور دیم و از بخار بیرون ایم پرسیدند که حال مردم بخار شما
گفتند جهان روشن بر این ان تاریکند و قیامت زیمان است
بر خورست قاصدان باز گشتند و کیفیت بجزنت خود عرض کردند
که عثمان مرکت حیوة بسو عالم جاودانی گردانیده اند با چشم بر
و وعده صواب رسالارباب از صفحه کتاب بر خوانند اما قید
و ان الیه رجوع آنکه گفتند چون حق است قوی را به بی ابراست
یافتند بر این رساند ولی خود را از میان آن قوم بیرون برد
آنکه جلا را از دست ما ب قوم انو این بلا رسیده است و این